

# فزوننی و کاستی

بحشی نو

از حقوق مدنی سویس

تقی لطفی

وکیل دادگستری

۱

## فزوننی

### سهم فزوننی

سهم زن و مرد در فزوننی بر دو قسم است: قانونی، قراردادی:

#### سهم قانونی فزوننی

برطبق بند يك ماده ۲۱۴ ق.م.سویس «هرگاه پس از تفکیک دارایی مرد و زن فزوننی حاصل گردد، يك سوم آن به زوجه یا احفاد او و بقیه به شوهر یا ورثه او تعلق خواهد یافت.»

در این حکم دوگونه ناهمسانی دیده می‌شود: یکی در حصه زن و مرد در فزوننی و دیگر تبعیض در قلمرو ارث دو طرف.

پیش از وضع قانون مدنی سویس صاحب‌نظری را عقیده براین بود که در توزیع فزوننی بهتر آنست که از شناسایی سهم ثابت خودداری شود، چه يك نسبت معین که از شمول قانون برخوردار باشد، چه بسا با حقیقت واقع انطباق نپذیرد. از اینرو شرط احتیاط آنست که توزیع فزوننی در هر مورد به عهده قاضی نهاده شود. گروهی نیز می‌گفتند که «اندازه استحقاق در فزوننی» را تابع میزان همکاری و معاضدت زن در تحصیل فزوننی قرار دهند. اما فکر شناسایی سهم ثابت قانونی فزوننی غلبه کرد. و پس از آن نیز گفتگو در نصف یا ثلث فزوننی بود.

اویگن هوبر در طرح ق.م. سویس برابری سهم زن و مرد را پیشنهاد نموده بود. ولی این فکر در مباحثه‌های دو مجلس بجایی نرسید و قرار بریک سوم نهادند.<sup>۲</sup>

1) Fixe Quote.

۲) در سالهای اخیر کوششهایی برای اصلاح قانون و تهیه طرح برابری سهم زن و مرد در فزوننی بعمل آمده که هنوز به نتیجه قطعی نرسیده و قانون نشده است.

در توجیه این ناهمسانی می‌گفتند که سهم یک سوم از پیش در حقوق سویس زمینه داشته؛ بعلاوه در روستاها تجزیه دارایی خطرهای فراوان در پی دارد و حصه‌های نابرابر زن و مرد در فزونی از زوال اقتصادی می‌کاهد. دیگر آنکه بار مرد در زندگی زناشویی سنگین‌تر و کوشش او در کسب فزونی اغلب بیشترست... باری، «سهم ثابت قانونی» وجود ثابت<sup>۳</sup> نیز دارد. باین تقدیر نوع سبب انحلال در میزان سهم بی‌اثرست؛ سهم فزونی چه در وفات و چه در طلاق یا تغییر نظم مالی نکاح یکی است: بموجب قانون (ماده ۲۱۴، ۱۵۴ و ۱۸۹) شوهر دو برابر زن می‌برد. باوجود این باید توجه داشت که یک نسبت ثابت در سه حکمی نهاده شده که برحسب طبیعت بکلی مختلفند:

در مورد وفات قانون اصل را براین قرار داده که پس از تجزیه ثروت زناشویی و کشف فزونی سهم همسر درگذشته در این فزونی داخل در ترکیه، و سهم همسر بازمانده در طرف وی باقی بماند. و حال آنکه در طلاق (ماده ۱۵۴ ق.م. سویس) قانونگذار می‌کوشد که با تصفیه مالی نکاح شرایط اقتصادی زن و شوهر را به زمان پیش از ازدواج بازگرداند و همان وضعی که در لحظه وقوع نکاح موجود بوده، تا حد امکان از نو بسازد.<sup>۴</sup> مفهوم این است که در تصفیه بسبب طلاق اثرات مالی نکاح می‌باید از آغاز<sup>۵</sup> برطرف شود. بهمین دلیل بمجرد قطعیت حکم طلاق همه اموالی که بموجب بند سوم ماده ۲۰۱ ق.م. سویس باوقوع نکاح بمالکیت شوهر درآمده بود، از نو به زن تعلق می‌یابد. ولی جواهری که مرد به زن هدیه کرده بود، به مرد پس داده نمی‌شود؛ مگر اینکه جواهر موروثی خانوادگی بوده یا طلاق به تقصیر زن واقع شود.<sup>۶</sup> همچنین از حکم ماده ۲۴۹ ش ۲ ق. تمهیدات سویس چنین برمی‌آید که «مرد مطلق» که بسختی تکالیف زناشویی را نقض نموده، باید هدایایی را پس بدهد. و باز در همین جهت اگر میان زن و شوهر قرارداد مالی زناشویی وجود داشته، باقطعیت حکم طلاق<sup>۸</sup> اعتبار خود را از دست می‌دهد و تصفیه مالی طلاق مستقل از آن وقوع می‌یابد. همچنین «انتقالات بلحاظ ممت» که یک طرف بسود طرف دیگر پیش از طلاق واقع ساخته بود، از میان می‌رود. زن و شوی هیچگونه دعوی ناشی از «حقوق ارث قانونی» بریکدیگر نخواهند داشت، برای مثال نمی‌توانند از «عقدارث» یا «انتقالات بلحاظ ممت» که پیش از طلاق واقع ساخته بودند، بریکدیگر دعوی اقامه کنند.<sup>۹</sup> با این حال حکم فزونی ثابت است، یعنی در طلاق نیز پس از آنکه هر یک

3) Konstanzen Wesen.

۴) رویه قضایی (دیوان کشور) سویس، ۸۱ دوم ۹۴.

5) ex tunc.

۶) رویه قضایی ۸۵ دوم ۷۰.

۷) رویه قضایی ۷۱ دوم ۲۵۵.

۸) «تصفیه مالی طلاق» در همان دعوی طلاق فیصله می‌یابد. تنها در موارد خاص «قاضی طلاق» امر به «دادرسی تکمیلی» می‌دهد.

۹) قواعد تنظیمی طلاق «امری مطلق» است و از همین روی با قرارداد نمی‌توان آن قواعد را تغییر داد، چون مربوط به مصالح اجتماعی است. نگاهی نیز به، هنریچی، ص ۵۹.

از زن و مردداری خود را برطبق همان اصولی که در تصفیه مالی وفات (ماده ۲۱۲ بعد ق.م.سویس) آمده، برداشت و طلبها تسویه شد، اگر فزونی پدید آید، برطبق بند دوم ماده ۱۵۴ به همان نسبت يك وسه (در ماده ۲۱۴ ق.م.سویس) توزیع می-شود.

از طرفی جمع این دو قاعده دريك دستور بنظر حقوقدانان سویس حاکی از نوعی تناقض است، چه وقتی قانون در بند يك ماده ۱۵۴ می گوید، در موقع طلاق ثروت زناشویی مستقل از نظم مالی نکاح به دارایی خاص زن و دارایی خاص مرد تجزیه می شود، بدیگر سخن وقتی قانون در هنگام تجزیه ثروت زناشویی نظم مالی نکاح را از نظر دور ساخته رابطه انحلال ثروت زناشویی و نظم مالی نکاح را از هم می گسلد، در این صورت بحکم منطق در توزیع فزونی هم نبایست نظم مالی نکاح آن دو مورد توجه قرار گیرد، زیرا فزونی خود جزوی از نظم است. و حال آنکه برطبق بند دوم همین ماده فزونی برطبق نظم مالی زوجین به آن دو تعلق می یابد؛ نظم مالی آن دو در این مورد «وحدت اموال» بوده، فزونی احتمالی به سه قسمت تقسیم می گردد و زن نصف مرد می برد. این يك بی منطقی است.<sup>۱۰</sup>

و مشکل دیگر آنکه برطبق بند سوم ماده ۱۵۴ ق.م.سویس مرد یا زن مطلق نمی تواند از قرارداد مالی زناشویی تنظیمی پیش از طلاق، هیچگونه دعوی و ادعایی بکند. و در شمار دعاوی ناشی از قرارداد مالی زناشویی در مرتبه اول دعوی فزونی است. حال آیا هر يك از دو طرف می تواند در موقع طلاق ادعای سهم فزونی طرف دیگر را با این استدلال رد کند که برطبق بند سوم ماده ۱۵۴ هیچگونه حقی که ناشی از قرارداد مالی زناشویی باشد، نمی توان مطالبه نمود؟!

از همین روی متن ماده ۱۵۴ را یکی از نقطه های ضعف ق.م.سویس دانسته اند که در اصلاح دو مجلس بوجود آمده است.<sup>۱۱</sup>

اما ناهمسانی در قلمرو ارث: در هنگام مرگ يك طرف سهم فزونی وی باید باقتضای اصل داخل در ترکه وی گردد. و چنین نیز می شود. اما قانون در قلمرو ارث يك طرف تصرفی نموده زنجیر وارثان زن را در این امر کوتاه می کند، چه برطبق بند اول ماده ۲۱۴ ق.م.سویس هرگاه شوهر زودتر درگذرد، سهم فزونی او به ورثه او تعلق می یابد؛ و هرگاه زن پیشتر فوت کند، فزونی وی به احفاد<sup>۱۲</sup> وی می رسد. و چنانکه می دانیم، رابطه ورثه و احفاد از گونه عام و خاص مطلق است... با این وجود در نفس حصه تغییری بهم نمی رسد؛ اینکه کداميك از زن و شوی زودتر وفات یابد، اثری در مقدار سهم ندارد، چون «سهم قانونی فزونی» وجود

۱۰ هنریچی، ص ۶۳.

۱۱ هنریچی ص ۵۹ و ۶۴ بعد، پاورقی ۱۸۸.

۱۲ قانون بصراحت می گوید که سهم زن در فزونی به احفاد (فرزند، نوه، نتیجه برحسب مورد) او می رسد. ولی در علم این نظر غلبه دارد که يك سوم فزونی مستقیم به احفاد زن اصابت نمی کند، بلکه نخست وارد ارث می گردد و در این حال شوهر نیز وارث تلقی و از این يك سوم برحسب موقع ارثی خود سهمی می برد. نگاهی نیز به تواور، ص ۱۹۱.

ثابت دارد وق.م.سویس. تبعیضی بسود همسر بازمانده روانمی دارد و بطور کلی، به همسر بازمانده حق ارث برترکه، از جمله دارایی اختصاصی پیشین، گردآورده و با احتمال حصه فزونی متوفی اعطا می کند.

اکنون اگر زن جلوتر فوت کند و از خود احفادی باقی نگذارد، بموجب حکم ماده ۲۱۴ (بند سوم) شوهر ملزم به تسهیم و تقسیم فزونی نیست. در این شرایط یک سوم فزونی هم نزد مرد باقی می ماند و ترکه زن افزایش نمی یابد. برای مثال در تصفیه ارث با وجود پدر و مادر یا برادر و خواهر زن، شوهر می تواند تمامی فزونی را ببرد.

ولی در مورد عکس، چنانچه مرد پیشتر فوت کند، زن نمی تواند بیش از سهم قانونی خود (یک سوم فزونی) مطالبه کند؛ دو سوم دیگر به ترکه شوهر می ریزد، مگر اینکه دو طرف بر سهم دیگری توافق کرده باشند<sup>۱۳</sup>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱۳) منابع این شماره به ترتیب بحث: کوهن، ص ۲۹. اگر، ماده ۲۱۴ ش ۱۱. پ. موتسنر، ص ۲۱۷ ببعده با پاورقی ۱۰۷. - کمور، ماده ۱۵۴ ش ۴ الف. توآور، ص ۱۴۵. - هنریچی ص ۵۹، ص ۶۳ ببعده. - کمور ماده ۲۱۴، ش ۲۱ ببعده. توآور، ش ۲۶ سه. - لانگ، رساله، ص ۱۱.